

بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر تراز تجاری در کشورهای نفت‌خیز حوزه

خلیج فارس

محمدحسن فطرس^۱

کیومرث سهیلی^۲

بشری تیموری^{۳*}

سمیرا حیدری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۷

چکیده

بهبود تراز تجاری یکی از اهداف عمده اقتصادی کشورها است. سیاست‌های پولی یکی از عوامل اثرگذار بر تراز تجاری می‌باشند. در این مقاله تأثیر سیاست‌های پولی بر تراز تجاری در کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که رشد پول و شبه پول اثر منفی و معنادار بر خالص صادرات و در نتیجه تراز تجاری کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس دارد. اما نرخ ارز تأثیر معناداری بر تراز تجاری ندارد. لذا کنترل رشد نقدینگی و همسویی متناسب با تأثیر نرخ ارز در قالب سیاست‌های پولی می‌تواند اثربخشی آشکاری در بهبود روند تراز تجاری داشته باشد زیرا نقش بارز مکانیزم‌های تعدیلی خودکار در مقایسه با مکانیزم‌های تعدیلی مداخله‌ای غیرقابل انکار است. از این رو باید کارایی سیاست‌های پولی در همسویی با سیاست‌های ارزی مورد ارزیابی قرار گیرد و در راستای سیاست‌های کلان اقتصادی، روابط تجاری براساس نحوه پوشش و واکنش به نوسانات، سطح تراز تجاری برای پیشبرد اهداف بلندمدت توسعه اقتصادی، در عرصه رقابت‌پذیری بین‌المللی ساماندهی شود.

کلمات کلیدی: سیاست‌های پولی، تراز تجاری، کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس.

طبقه بندی JEL: E52 ، E6

^۱ - دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان Email: fotros@basu.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه Email: qsoheily@yahoo.com

^۳ - مدرس دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) Email: b.taimori@gmail.com

^۴ - مدرس دانشگاه پیام نور هرسین Email: samiraheidari67@gmail.com

۱- مقدمه

تراز پرداخت‌های خارجی، معیار مهمی برای سنجش و اندازه‌گیری جریان مبادلات تجاری و انتقال سرمایه در یک اقتصاد باز است. اجزای مهم آن حساب جاری (تفاضل بین صادرات و واردات کالاها و خدمات) و حساب سرمایه می‌باشد، که برای کشورهای در حال توسعه تراز پرداخت‌ها و وضعیت تراز حساب جاری از مهم‌ترین متغیرها و محدودیت‌های استراتژیک اقتصاد کلان به شمار می‌رود (شقایقی شهری، ۱۳۸۶).

دستیابی به اهداف بهبود وضعیت تراز تجاری، رشد اقتصادی و کنترل تورم، مستلزم اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی و ارزی مناسب و در عین حال هماهنگ با سیاست‌های مالی است. نقش سیاست‌های پولی و ارزی به منظور فراهم ساختن ابزاری کارا برای گسترش سیاست‌گذاری‌های مدون جهت دستیابی به اهداف بلندمدت توسعه اقتصادی در کشورهای نفت‌خیز کاملاً روشن است؛ در این میان تعیین نرخ بهینه ارز و اجرای سیاست‌های مناسب ارزی از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا کاهش کارایی اقتصادی، توزیع و تخصیص غیر بهینه منابع اقتصادی، اختلال در بازارهای مالی داخلی و تخریب تراز پرداخت‌ها از اثرات تنظیم نامناسب نرخ ارز و واقعیات است. از این رو سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشورهای نفت‌خیز باید به گونه‌ای باشد که این کشورها مسئله ارز را که یکی از عوامل موثر بر عملکرد بخش بازرگانی خارجی است در هدف‌های سیاستی تعدیل و تثبیت اقتصادی برای بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها و تقویت رقابت‌پذیری بین‌المللی مورد بررسی قرار دهند چرا که تقویت رقابت‌پذیری منجر به رشد اقتصادی بیشتر می‌شود که این امر با تأثیرگذاری در افزایش درآمد ملی خود را نشان می‌دهد. رشد و توسعه اقتصاد بین‌الملل در گرو استفاده از ابزارهای مختلف در بهبود عملکرد اقتصادی کشورهاست. لذا هر کوششی برای برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی در سطح واحدهای ملی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر تنها در تعامل با سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای معنا و مفهوم پیدا می‌کند که عملکرد این روابط در تراز تجاری کشورها منعکس می‌شود. سیاست‌های طراحی شده که رشد اقتصادی منظم را با تعادل خارجی ترکیب می‌کنند برای هر کشوری مناسب هستند. بنابراین شناسایی روند سیاست‌های پولی ضروری است و در دستیابی به اهداف ملی تأثیرات بسزایی دارد. تئوری‌های اقتصادی در زمینه مالیه بین‌الملل مویده این مطلب است که سطح درآمد ملی یکی از عوامل تأثیرگذار بر تراز تجاری کشورهاست. بنابراین رهایی از اتکا به درآمدهای نفتی و ارز حاصل از صادرات نفت از طریق تغییراتی که در موازنه پرداخت‌ها و ذخایر ارزی ایجاد می‌کند، می‌تواند در سیاست‌های اقتصادی کشورهای نفت‌خیز دارای اثرات مهمی باشد که یک مسئله مهم برای تداوم تعاملات بین‌المللی این کشورها محسوب می‌شود. مسئله مورد بحث دیگر این است

که در هم تنیدگی سیاست‌های پولی و مالی به طور اثربخشی اقتصاد ایران را به عنوان یک کشور صادرکننده نفت تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیرا شوک‌های نفتی به همراه خود از طریق درآمدهای نفتی منجر به سیاست‌های مالی انبساطی می‌شوند. اما تبدیل درآمدهای ارزی نفت به ریال و این‌که بانک مرکزی درختی‌سازی اثر این اقدام مالی عملکرد اساسی نداشته است، افزایش پایه پولی و در نهایت رشد نقدینگی را سبب می‌شود که به عبارت دیگر سیاست مالی انبساطی متکی به درآمدهای نفتی به سیاست‌های پولی انبساطی منتهی می‌شود. در نتیجه قسمتی از رشد مشاهده شده از شوک‌های نفتی در ایران مربوط به مقوله سیاست پولی و قسمتی مربوط به سیاست مالی می‌باشد. لذا این امر نیز قابل ارزیابی است. (کمیجانی واسدی مهمان‌دوستی، ۱۳۸۹)

شواهد تجربی بر این نکته تأکید دارند که چنانچه کاهش ارزش اسمی پول با سیاست‌های مناسب کلان اقتصادی همراه باشد موجب افزایش قدرت رقابت خارجی کشور می‌شود و وضعیت اقتصاد خارجی را بهبود می‌بخشد در این راستا، ادواردز^۱ (۱۹۸۵). در مطالعه خود به بررسی آثار کاهش ارزش پول در کشورهای در حال توسعه پرداخته است و به این نتیجه می‌رسد که تنها تعداد معدودی از این کشورها در اجرای سیاست‌های کاهش ارزش پول موفق بوده‌اند و در اغلب آنها اجرای این سیاست به شکست انجامیده است. وی همچنین نشان می‌دهد کشورهایی که در اجرای سیاست کاهش ارزش پول ناموفق بوده‌اند، عموماً کشورهایی هستند که همراه با تعدیل ارز، سیاست‌های انبساطی پولی و مالی را اعمال کرده‌اند. در صورتی که کشورهایی که به همراه کاهش ارزش پول سیاست‌های سازگار مدیریت تقاضا را در جهت کنترل اعتبار داخلی اعمال کرده و کسری بودجه خود را کاهش داده‌اند از موفقیت‌های قابل توجهی در رابطه با کاهش ارزش واقعی پول و وضعیت تراز تجاری برخوردار گردیده‌اند (دژپسند و گودزی، ۱۳۸۸).

درآمدهای عمده ارزی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (شامل شش کشور امارات متحده عربی، بحرین، کویت، قطر، عمان و عربستان سعودی) همانند ایران ناشی از صادرات نفت است اما اقتصاد این کشورها در مقایسه با اقتصاد ایران از نوسانات قیمت نفت کمتر متأثر می‌شود، به طوریکه نوسان نرخ ارز، تورم و رشد نقدینگی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به مراتب کمتر از ایران است.^۲

سازماندهی مقاله چنین است که پس از مقدمه، در بخش بعدی ادبیات موضوع به اجمال مرور

^۱ - Edwards Sebastian.

^۲ - برگرفته از "نگاهی به وضعیت اقتصادی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس"، (۱۳۸۷)، وزارت‌امور اقتصادی و دارایی.

می‌شود. سپس، روش‌شناسی تحقیق معرفی می‌شود. آنگاه، بحث و نتیجه‌گیری عرضه می‌شود.

۲- ادبیات موضوع

نگرش سیاستی به اقتصاد کلان باز^۱ با مباحث ماندل-فلمینگ^۲ در دهه ۱۹۶۰ گسترش یافت. این الگو ضمن داشتن ماهیت کینزی، در تجزیه و تحلیل نیز شبیه روش کینزی می‌باشد. با وجود گسترش قابل ملاحظه‌ای که در ابعاد مختلف اقتصاد رخ داده است ولی الگوی ماندل-فلمینگ موقعیت خود را به‌عنوان مهم‌ترین الگو در زمینه آثار سیاست‌های پولی و مالی، نقش تحرک سرمایه (بین‌المللی) و نیز تجارت کالاها و خدمات در زمینه‌های نظری و تجربی اقتصاد بین‌الملل و اقتصاد کلان باز، حفظ نموده است. مدل ماندل-فلمینگ در کل به این مطلب اشاره می‌کند که تحرک سرمایه^۳ تعادل را در بازار ارز (خارجی) تعیین می‌کند و تغییرات نرخ ارز نیز به نوبه خود توازن حساب جاری را تعیین خواهد کرد. در واقع الگوی ماندل-فلمینگ، مدل IS-LM را با در نظر گرفتن تحرک بین‌المللی سرمایه و تجارت کالاها توسعه می‌بخشد (شقایقی شهری، ۱۳۸۶). براساس الگوی ماندل-فلمینگ اثرات هر سیاست اقتصادی بر یک سیستم کوچک اقتصادی باز، به ثابت یا شناور بودن نرخ ارز بستگی دارد. به بیان دقیق‌تر الگوی ماندل-فلمینگ نشان می‌دهد قدرت سیاست‌های پولی و مالی در اثرگذاری بر درآمد کل و بخش تجارت خارجی به سیاست نرخ ارز کشور بستگی دارد. در حالت نرخ ارز شناور تنها سیاست پولی بر درآمد و تجارت خارجی اثر دارد و بالا رفتن ارزش واحد پول کشور، تاثیرات سیاست مالی انبساطی را خنثی می‌کند ولی اگر نرخ ارز ثابت باشد تنها تاثیر سیاست مالی بر درآمد و بخش خارجی مشهود است و تاثیرات بالقوه سیاست پولی بر درآمد از بین می‌رود زیرا عرضه پول می‌تواند نرخ ارز را در سطح تعیین شده نگه دارد. بنابراین با تشریح این الگو به نقش سیاست‌های پولی در بخش خارجی اقتصاد اشاره می‌شود که یکی از اهداف سیاست‌های پولی ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها می‌باشد و منظور از آن ایجاد تعادل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های خارجی و نیز تثبیت نرخ ارز است (شقایقی شهری، ۱۳۸۶).

نرخ ارز به عنوان یک متغیر کلیدی حلقه ارتباطی میان سیاست‌های پولی و تراز تجاری است که تغییرات آن می‌تواند در قالب سیستم‌های ثابت یا شناور میزان کارایی سیاست‌های پولی را ارزیابی نماید و چگونگی تعدیل تراز پرداخت‌ها در هر یک از این سیستم‌ها مورد بررسی قرار

¹ - Open- Economy Macroeconomic

² - Mundell –Fleming Model

³ - Capital Flaows

گیرد. مبانی نظری و تئوری در این رابطه قادر است شکل منحنی تراز پرداخت‌ها را تشریح نماید به طوری که در کشورهایی که مسئله تحرک کامل سرمایه مطرح است این منحنی به صورت افقی ترسیم می‌شود و بیانگر این است که در سیستم نرخ ارز شناور و در حالتی که منحنی تراز پرداخت‌ها افقی است سیاست‌های پولی بیشترین کارایی را دارند در حالی که سیاست‌های مالی کارایی چندانی ندارند. همچنین مباحث تئوریک به مسئله استقلال سیاست‌های پولی در سیستم نرخ ارز شناور نیز اشاره می‌نماید و چنین بیان می‌کند که سیاست‌های پولی در سیستم نرخ ارز شناور علاوه بر این که دارای حداکثر کارایی است دارای استقلال نیز می‌باشد. به این معنی که افزایش حجم پول توسط بانک مرکزی در این حالت امکان‌پذیر است. و وضعیت تراز پرداخت‌ها، افزایش آن را خنثی نمی‌کند. بنابراین وجود یک سیستم ارزی مناسب در کارایی و استقلال سیاست‌های پولی با توجه به سطح تراز پرداخت‌ها کاملاً موید نقش بارز سیاست‌های پولی در این رابطه است (رحمانی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر تغییرات نرخ ارز می‌تواند از طریق تراز تجاری بر سطح عمومی قیمت‌ها تأثیرگذار باشد به طوری که تأثیر نرخ ارز بر قیمت‌ها در اقتصادهایی که از جنبه صادرات، به یک محصول وابسته هستند بیشتر از طریق واردات بر اقتصاد کشور تحمیل می‌شود. لذا تحلیل عبور نرخ ارز و عوامل موثر بر آن در قالب تنظیم سیاست‌های پولی کمک می‌کند تا بتوان میزان و درجه تأثیرات قیمتی از طریق نرخ ارز را اندازه‌گیری کرد و روشن است برای اقتصادهایی که در محیط تورمی گام برمی‌دارند تحلیل این امر مطابق با تاییدات تئوری براساس سیاست‌های اقتصادی و تجاری است (جلایی اسفندآبادی، ۱۳۸۴)

پویایی تراز بازرگانی هر کشور متأثر از چگونگی نرخ برابری پول داخلی با سایر ارزها می‌باشد. به همین دلیل گاه سیاست‌گذاران اقتصادی، سیاست‌های ارزی را محور سیاست‌های تعادل اقتصادی خود قرار می‌دهند. در کشورهای پیشرفته صنعتی و برخی از اقتصادهای کشورهای در حال صنعتی شدن که کمتر با مشکل کسری تراز پرداخت‌ها مواجه‌اند، عمده‌ترین هدف در سیاست‌گذاری ارزی تثبیت سطح تولید می‌باشد. اما در کشورهای در حال توسعه که با کسری شدید تراز پرداخت‌ها روبه‌رو هستند. اغلب سیاست‌های ارزی به انگیزه بهبود تراز پرداخت‌ها صورت می‌گیرد. لذا اکثر پژوهش‌های قبلی انجام شده در رابطه با تأثیرات تکانه‌های ارزی بر تراز تجاری و یا تأثیرات کاهش ارزش پول ملی بر تراز تجاری توسط محققان داخلی و خارجی انجام شده است که این امر به نقش مهم تغییرات نرخ ارز و تأثیرگذاری آن بر تراز تجاری اشاره دارد.

کیم^۱ (۲۰۰۱) با استفاده از مدل VAR، تاثیر شوک‌های سیاست‌پولی بر تراز تجاری در فرانسه و ایتالیا و انگلستان را مورد بررسی قرار داده است و نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بوده است که ضمن تاثیر تغییر مخارج، اثر ناچیزی از علائم منحنی آوجود دارد.

آنیل و توماس^۲ (۲۰۰۲) با استفاده از روش هم‌انباشتگی، مدل تصحیح خطا و توابع عکس‌العمل آنی (IRF)^۳ به بررسی عوامل تعیین‌کننده تراز تجاری کشورهای آسیای جنوبی در کوتاهمدت و بلندمدت با استفاده از داده‌های فصلی دوره ۹۸-۱۹۸۵ پرداخته‌اند. نتیجه به‌دست آمده از این مطالعه بر وجود رابطه بلندمدت و کوتاهمدت بین نرخ ارز موثر و تراز تجاری این کشورها تاکید داشته است و پدیده منحنی J را در برخی از کشورها تایید می‌کند.

یوسفی و ویر جانتو^۴ (۲۰۰۳) با استفاده از روش هم‌انباشتگی و داده‌های دوره ۹۸-۱۹۷۰ به بررسی اثرات تغییر در نرخ دلار آمریکا بر روی تراز تجاری کشورهای صادرکننده نفت (ایران، عربستان و ونزوئلا) پرداخته‌اند. براساس نتایج به‌دست آمده، مجموع کشش‌های قیمتی تقاضای بلندمدت واردات و صادرات برای ایران و ونزوئلا بیش از واحد و برای عربستان کمتر از واحد، برآورد شده است. آنها در تحلیل‌های خود بر استفاده از نظام نرخ ارز شناور در این کشورها تاکید کرده‌اند.

تیهومیر شوتکا^۵ (۲۰۰۴) با استفاده از روش (ARDL)، وجود و یا عدم وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین نرخ ارز با تراز تجاری را مورد بررسی قرار داده است و سرانجام به این نتیجه رسیده است که بین تراز تجاری با نرخ ارز رابطه تعادلی و بلندمدت وجود دارد.

آقبولا^۶ (۲۰۰۵) با استفاده از داده‌های کشور غنا طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۴۷ اثر کاهش ارزش پول داخلی این کشور بر روی تراز تجاری را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کاهش ارزش پول داخلی در بلندمدت تراز تجاری کشور غنا را بدتر خواهد کرد.

بهاترای و آرمه^۷ (۲۰۰۵) با استفاده از داده‌های سری‌زمانی طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۷۰ و مدل‌های مدل‌های تک معادله‌ای و مدل تصحیح خطای برداریو تحلیل‌های هم‌جمعی، ارتباط پایدار بین صادرات و واردات و نرخ ارز را در بلندمدت تایید می‌کنند و نتایج بیانگر آن است که با محاسبه کشش‌های صادرات و واردات شرط مارشال-لرنر در بلندمدت برقرار است.

1- Soyoung Kim.

2- Anil and Thomas.

3- Impulse Response Function.

4- Yousefi and Wirjanto.

5- TihomirStucka.

6- Agbola.

7- Keshab R. Bhattarai and Mark K. Armah.

گومز و فاگراس^۱ (۲۰۰۶) با استفاده از تکنیک‌های همگرایی، رابطه بین نرخ ارز و تراز تجاری را مورد بررسی قرار داده است. همچنین اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت نرخ ارز بر روی تراز تجاری برای دوره زمانی ۹۲-۱۹۶۲ را مورد بررسی قرار داده‌اند و با استفاده از آزمون همگرایی یوهانسن و همچنین محاسبه تابع عکس‌العمل آنی نشان داده‌اند که شرط مارشال-لرنر در دوره مورد نظر که در آن سیاست نرخ ارز ثابت به کار گرفته شده است تحقق یافته؛ اما برای دوره زمانی که در آن سیاست نرخ ارز انعطاف پذیر اجرا گردیده، تحقق نیافته است. نتیجه دیگری حاصل شده، این است که در کوتاه‌مدت تراز تجاری در آرژانتین از الگوی رفتاری منحنی J-نموده است.

عزیز^۲ (۲۰۰۸) به تأثیر اسمی و واقعی نرخ ارز در تراز تجاری بنگلادش با استفاده از تکنیک‌های انگل-گرنجر و جوهانسن به ارتباط همجمعی در بلندمدت بین تراز تجاری و نرخ واقعی ارز می‌پردازد و در نهایت با بکارگیری مکانیزم تصحیح خطا (VECM) این ارتباط را در کوتاه‌مدت بررسی می‌کند. نتایج برآورد نشان می‌دهد که نرخ واقعی ارز تأثیر معنادار مثبت بر تراز تجاری در هر دو دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد. آزمون علیت گرنجری بیان می‌کند که نرخ واقعی ارز علت گرنجری تراز تجاری است همچنین این مطالعه شرط مارشال-لرنر را با استفاده از داده‌ها در بنگلادش بررسی می‌کند و در نتیجه‌گیری بیان می‌کند به‌کارگیری تابع عکس‌العمل آنی با توجه به منحنی J در واکنش به کاهش ارزش نرخ ارز، مناسب است.

دراما و همکاران^۳ (۲۰۱۰) با استفاده از روش‌های همگرایی و همچنین الگوی تصحیح خطا به این نتیجه رسیده‌اند که بین نرخ ارز واقعی و تراز تجاری رابطه تعادلی و بلندمدت برقرار می‌باشد و علاوه بر آن نرخ ارز دارای تأثیر مثبت و معناداری بر تراز تجاری کشور در کوتاه‌مدت و بلند مدت دارد.

جلالی نایینی و خیابانی (۱۳۷۶) به منظور بررسی اثرات سیاست‌های مالی، پولی و ارزی بر متغیرهای کلان اقتصادی و تراز تجاری (صادرات و واردات کالاها)، به تخمین الگوی کلان‌سنجی ایران در دوره ۷۳-۱۳۴۳ (۹۴-۱۹۶۴) مشتمل بر ۱۰ معادله و ۱۶ اتحاد و با استفاده از روش رگرسیون‌های سه مرحله‌ای پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که عملکرد انبساطی دولت اثرات مثبت سیاست تقلیل اسمی پول را نه فقط خنثی می‌سازد بلکه به واسطه ایجاد فشارهای تورمی (علاوه بر فشار سطح قیمت‌ها به خاطر تقلیل اسمی) موجب افزایش کسری تراز تجاری می‌شود.

¹- David Matesanz Gomez and Guadalupe Fugarolas Alvarez-Ude.

²- Nusrate Aziz.

³- Drama Bedi Guy Herveetal.

محققان معتقدند که این نکته در توضیح و توجیه علل عدم توفیق سیاست آزادسازی ارزی بسیار مهم است. زیرا آزادسازی ارزی در ایران همزمان با عملکرد انبساطی پولی و مالی بوده و بنابراین موجب بالا رفتن فشارهای تورمی و رشد محدود صادرات نفتی شده است. به نظر آنها اگر سیاست‌های پولی و مالی منضبط، تعدیل نرخ ارز را همراهی می‌کردند، سیاست آزادسازی در تحقق اهداف خود موفق‌تر بود به این معنا که نرخ تورم پایین‌تر و نرخ رشد صادرات غیر نفتی بیشتری تجربه می‌شد.

رحیمی بروجردی (۱۳۷۶) دو الگو را در خصوص اقتصاد ایران بررسی می‌کند. وی نشان می‌دهد سیاست کاهش ارزش پول همراه با سیاست‌های پولی سازگار، واردات را کاهش می‌دهد و به دنبال آن تراز تجاری را بهبود می‌بخشد.

رحیمی بروجردی (۱۳۷۷) با استفاده از مدل (VAR)^۱، نشان می‌دهد که در معادله صادرات غیر نفتی، حجم پول و واردات به طور معنی‌داری تغییرات در صادرات را توضیح می‌دهند. این نتیجه از یک طرف حساسیت بالای صادرات غیر نفتی به نقدینگی و امکان دسترسی هرچه بیشتر و آسان‌تر به آن و از سوی دیگر نقش و تاثیر واردات (سرمایه‌ای - واسطه‌ای) را بر تولید کالاهای صادراتی غیرنفتی نشان می‌دهد. نکته حائز اهمیت این است که در معادله صادرات غیرنفتی، نرخ ارز واقعی، تغییرات در صادرات غیرنفتی را توضیح نمی‌دهد. بنابراین در این دوره سیاست‌های ارزی و تغییرات در نرخ ارز نقش حائز اهمیتی را در تغییرات صادرات غیرنفتی نشان نمی‌دهند. در معادله واردات نیز همین نتیجه مشاهده می‌شود. یعنی واردات به نحو بسیار ضعیفی، تحت تاثیر وقفه‌های نرخ ارز قرار گرفته است. در معادله تولید نیز مشاهده می‌شود که تولید، تنها از وقفه‌های خود متأثر شده است. مجموعه نتایج به دست آمده از متغیرهای صادرات غیر نفتی، واردات و تولید حاکی از این است که سیاست‌های ارزی به طور مستقیم نقش مهمی در تغییرات آنها نداشته است. به عبارت دیگر، در شرایط اقتصادی کشور، برای سیاست‌های مربوط به تولید و تجارت نمی‌توان امید به سیاست‌های ارزی و تغییرات نرخ ارز داشت و تغییرات نرخ ارز به طور معنی‌داری منجر به بهبود تولید و افزایش صادرات غیرنفتی نشده است.

نگهبانی (۱۳۸۳) به بررسی اثرات سیاست کاهش ارزش پول ملی بر تراز بازرگانی ایران با کشورهای طرف عمده تجاری طی سال‌های (۷۸-۱۳۵۷) پرداخته است. با به کار بردن سیستم معادلات همزمان و با استفاده از رگرسیون‌های به ظاهر نامرتبط (SUR) و همچنین رگرسیون

^۱ - Vector Auto regressive.

معمولی OLS و با الهام از نگرش کشش‌ها و بررسی برقراری شرط مارشال-لرنر در هر کدام از کشورهای مورد نظر و گروه کشورها آزمون شده است که نتایج تخمین کشش‌های قیمتی و درآمدی تقاضای صادرات و واردات ایران نسبت به تغییرات در ارزش برابری ریال از سوی کشورهای آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه می‌باشد. و از طرفی بیشترین حساسیت (کشش) تقاضای واردات ایران نسبت به تغییرات در ارزش برابری ریال مربوط به واردات از کشورهای آلمان، فرانسه و انگلستان می‌باشد. تخمین کشش درآمدی مربوط به تقاضای صادرات از ایران نشان می‌دهد که تقاضا برای صادرات ایران نسبت به تغییرات درآمد کشورهای مورد نظر از حساسیت (کشش) کمتری برخوردار است. همچنین با افزایش درآمد واقعی ایران، واردات ایران از کشورهای مورد نظر در طی دوره مطالعه افزایش بیشتری نشان می‌دهد. بررسی برقراری شرط مارشال-لرنر جهت بررسی عکس‌العمل تراز تجاری ایران بر حسب دلار در مقابل سیاست کاهش ارزش خارجی ریال با هر کدام از کشورهای مورد نظر حاکی از آن است که این شرط برای هفت کشور مورد نظر در سال‌های اولیه اعمال سیاست (۷۲ - ۱۳۶۹) برقرار نمی‌باشد. و در طی دوره (۷۸-۱۳۷۳) در خصوص تراز بازرگانی ایران با کشورهای انگلستان، ایتالیا و ژاپن و فرضیه اثر مثبت این سیاست در بهبود وضعیت تراز دلاری تجاری ایران با این کشورها را نمی‌توان رد کرد. برآورد کشش تقاضا برای صادرات از ایران برای داده‌های مربوط به این گروه کشورها نشان از معنی‌دار بودن کشش‌های قیمتی و درآمدی تقاضای صادرات و واردات برای این کشورها به صورت گروهی دارد. بنابراین اتخاذ سیاست کاهش ارزش پول ملی همراه با سیاست‌های کلان مناسب به‌عنوان ابزاری جهت بهبود در وضعیت تراز تجاری ایران (بر حسب دلار) با محاسبه دقیق کشش‌های تقاضا از جانب کشورهای طرف عمده تجاری برای صادرات ایران نسبت به تغییرات در نرخ برابری ارز برای سیاست‌گذاری توصیه می‌شود.

افشاری (۱۳۸۴) به بررسی رابطه بین نرخ ارز و تراز تجاری پرداخته است. ابتدا ایستایی متغیرها و سپس همگرایی آنها مورد بررسی قرار گرفته است و پس از برآورد الگو با توجه به این‌که تراز تجاری را تابعی از تولید ناخالص ملی و حجم پول و نرخ ارز می‌داند، به این نتیجه رسیده است که نرخ ارز تأثیر ناچیزی بر تراز تجاری دارد. (شیرین بخش و همکاران، ۱۳۸۸) مهرآرا و عبدی (۱۳۸۶) با استفاده از روش جوهانسن (۱۹۸۸)، انگل-گرنجر (۱۹۸۷)،

¹ - Ordinary Least Squares.

فیلیپس-هانسن (۱۹۹۵) و $ARDL(1)$ پسران و شین (۱۹۹۷)، ابتدا میزان توانایی دو قیمت نسبی که بر اساس نرخ ارز موثر رسمی و نرخ ارز بازار موازی تعریف شده‌اند، در تبیین نوسانات تراز تجاری را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نرخ موثر رسمی قادر نیست رفتار تراز تجاری را بر حسب آزمون‌های هم‌انباشتگی، اندازه و اهمیت آماری ضرایب، آماره‌های تشخیصی و ثبات پارامترها را به نحو رضایت‌بخشی تبیین کند. اما استفاده از نرخ ارز حقیقی بازار موازی در الگوی تراز تجاری قادر است رفتار بلندمدت و کوتاه‌مدت تراز تجاری را در اقتصاد ایران براساس آزمون‌های هم‌انباشتگی و آماره‌های تشخیصی به نحو مطلوبی توضیح دهد. در واقع، معیارهای برازش در الگوی بلندمدت و کوتاه‌مدت تراز تجاری به هنگام وارد کردن نرخ ارز بازار موازی به نحو قابل توجهی بهبود می‌یابد. به بیان دیگر، آنچه که تصمیم‌ها و جریان‌های تجاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد، هزینه فرصت واقعی نرخ ارز مبتنی بر مقدار آن در بازار موازی است. در میان عوامل دیگر تاثیرگذار، درآمد شرکای تجاری ایران کمترین و درآمد داخلی بیشترین تاثیر را بر تراز تجاری داشته است.

معماریان و جلالی نائینی (۱۳۸۹) با بهره‌گیری از مدل تصحیح خطای برداری و استفاده از آماره‌های سری‌زمانی فصلی، رفتار تراز تجاری ایران در برابر شرکای تجاری عمده به صورت پویا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و همچنین متغیر نرخ موثر واقعی ارز به عنوان یک شاخص مهم اقتصادی و تعیین‌کننده تراز تجاری کشور محاسبه شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های انجام گرفته، بیانگر وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگوی تراز تجاری کل است. تجزیه و تحلیل رفتار پویا میان متغیرهای الگو نیز با استفاده از توابع عکس‌عملی صورت گرفته است و بر این اساس تاثیر کاهش ارزش پول بر تراز تجاری کل در کوتاه‌مدت، فرضیه منحنی J را مورد تایید قرار می‌دهد. دوره روند نزولی پدیده منحنی J در این مطالعه، دو فصل برآورد شده است که می‌توان چسبندگی اسمی مقادیر واردات در سطح تجارت بین‌الملل و یا به بیان دیگر وابستگی بخش داخلی به واردات و نیز عدم کشش‌پذیری بخش صادرات غیرنفتی به تغییرات نرخ واقعی ارز را از دلایل مهم این امر شمرد.

¹ - Auto Regressive Distributed Lag.

۳- روش شناسی

روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)^۱ به طور وسیعی در اقتصادسنجی مطالعه شده است. وقتی که فرمول بندی درست‌نمایی مشکل، اما بدست آوردن گشتاورها نسبتاً آسان است این روش برای بهبود کارایی برآوردگر جالب و مفید است.

یکی از کاربردهای عمده GMM انجام استنباط در مدل‌های نیمه پارامتری است که شرط‌های گشتاوری از تعداد پارامترهای مجهول بیشتر است. به‌ویژه وقتی کران کارایی پیچیده و شرط‌های گشتاوری قابل دسترس هستند، GMM با ترکیب گشتاورها در ساختن برآوردگرهای کارا سودمند است. (حاجی جوذکی و همکاران، ۱۳۹۱)

هنگامی که در مدل داده‌های تلفیقی، متغیر وابسته، به صورت وقفه در طرف راست ظاهر شود دیگر برآورد OLS سازگار نیست. (هشیائو^۲، آرانو و باند^۳ و بالتاجی^۴ (۱۹۹۵)) و باید به روش‌های برآوردی دو مرحله‌ای 2SLS (اندرسون و هشیائو^۵ GMM آرانو و باند (۱۹۹۱) متوسل شد. به گفته ماتياس و سوستر^۶، برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس بزرگ برای ضرایب بدست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنادار نباشد؛ بنابراین روش GMM توسط آرانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. (یاوری و اشرف‌زاده، ۱۳۸۴)

بسیاری از مدل‌های داده‌های پانل در اصل، پویا می‌باشند و لحاظ این پویایی در مدل‌های پانل به صحت و استحکام نتایج به دست آمده کمک خواهد کرد. استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته با بکارگیری متغیرهای ابزاری، ایراد درون‌زایی متغیرهای توضیحی یا ساختار پویای مدل را برطرف می‌نماید و جهت حذف تورش ناشی از درون‌زایی متغیرهای توضیحی، اجازه می‌دهد تمام متغیرهای رگرسیونی حتی با وقفه، اگر همبستگی با اجزاء اخلاص ندارند به‌عنوان متغیر ابزاری وارد مدل شوند. این روش به واسطه انتخاب ابزارهای صحیح و با اعمال یک ماتریس وزنی می‌تواند برای شرایط ناهمسانی واریانس و نیز خودهمبستگی‌های ناشناخته برآوردگر پرتوانی محسوب شود. (صمدی و همکاران، ۱۳۹۲)

به طور کلی روش GMM نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایایی به شرح زیر است:

۱- حل مشکل درون‌زا بودن متغیرهای نهادی: مزیت اصلی تخمین GMM پویا آن است که

^۱ - Generalized Method of Moment.

^۲ - Hsiao.

^۳ - Arrelano & Bond.

^۴ - Baltaji.

^۵ - Anderson & Hsiao.

^۶ - Matyas & Sevestre.

تمام متغیرهای رگرسیون که همبستگی با جزء اخلاص ندارد (از جمله متغیرهای با وقفه و متغیرهای تفاضلی) می‌توانند به طور بالقوه متغیر ابزاری باشند. (گرین^۱، ۲۰۰۸)

۲- کاهش یا رفع هم‌خطی در مدل: استفاده از متغیرهای وابسته وقفه‌دار باعث از بین رفتن هم‌خطی در مدل می‌شود.

۳- حذف متغیرهای ثابت در طی زمان: کاربرد این روش باعث حذف متغیرهایی می‌شود که در طی زمان ثابت بوده‌اند. این متغیرهای محذوف، باعث ایجاد تورش در تخمین مدل می‌شوند. این شیوه، امکانی فراهم می‌سازد که تاثیر این عوامل با تفاضل گرفتن از آمارها حذف شوند. (بالتاجی، ۲۰۰۸)

۴- افزایش بعد زمانی متغیرها: هر چند ممکن است تخمین برش مقطعی بتواند رابطه بلندمدت بین متغیرها را به‌دست آورد اما این نوع تخمین‌ها، مزیت سری‌های زمانی آمارها را ندارند که کارآمدی برآوردها را افزایش دهد. استفاده از بعد زمانی سری آمار، این امکان را فراهم می‌سازد که تاثیر تمام عوامل مشاهده نشده ثابت زمانی که تفاوت‌های بین کشوری را نشان می‌دهند در برآورد ملاحظه شوند. (هشیائو، ۲۰۰۳)

بنابراین استفاده از روش پانل پویا دارای مزیت‌هایی همانند لحاظ نمودن ناهمسانی فردی و اطلاعات بیشتر و حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی است که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر با کارایی بالاتر و هم‌خطی کمتر در GMM خواهد بود. (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰)

لذا تخمین‌ها برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ و برای پنج کشور ایران، عربستان، کویت، قطر و عمان به صورت پانل و روش GMM برآورد شده است.

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، الگوی مورد برآورد بر پایه برآوردهای پویا به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) است، که چارچوب تجربی آن مستخرج شده از الگوی استفاده شده توسط بالتاجی (۲۰۰۷) است که می‌توان آن را به صورت زیر تعریف نمود:

$$Y_{it} = \alpha + \beta Y_{it} + \gamma X_{it} + \eta_i + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

به طوری که: α_{it} ؛ عرض از مبدأ و Y_{it} ؛ متغیر وابسته و Y_{it-1} متغیر وابسته با یک وقفه زمانی است. همچنین X_{it} ؛ شامل متغیرهای مستقل است که تحت متغیرهای ابزاری نیز بکار می‌روند و η_i ؛ اثر ویژه فردی مستقل از زمان که مربوط به هر یک از کشورها و ε_{it} ؛ جمله

¹ - Green.

خطاست.

حال رابطه (۵) را می‌توان بر اساس متغیرهای مورد نظر در این مطالعه تصریح نمود، به طوری که:

$$NX_{it} = \beta_0 + \gamma NX_{it-1} + \beta_1 M_{it-1} + ER_{it} + u_{it} \quad (۶)$$

که در آن:

NX_{it} : خالص صادرات است که معرف وضعیت تراز تجاری است.

M_{it-1} : معرف رشد پول و شبه پول است.

ER_{it} : معرف نرخ ارز است.

داده‌های مورد استفاده، از سایت‌های صندوق بین‌المللی پول^۱، شاخص‌های توسعه جهانی^۲ و همچنین سری‌های زمانی منتشره از سوی دانشگاه پنسیلوانیا^۳ استخراج شده است. داده‌های رشد پول و شبه پول بر حسب واحد پول هر کشور می‌باشند^۴. لذا پس از تبدیل شدن به دلار، به منظور حقیقی شدن، بر شاخص قیمتی مصرف‌کننده^۵ هر کشور تقسیم شده است. داده‌های نرخ ارز و خالص صادرات نیز بر حسب دلار می‌باشند. لازم به ذکر است تخمین‌ها با استفاده از نرم‌افزار Stata صورت گرفته است.

۴- آزمون‌های ریشه واحد و هم‌انباشتگی

قبل از انجام آزمون هم‌انباشتگی جهت تعیین رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدنظر، باید آزمون ریشه واحد برای تشخیص مانایی متغیرها انجام شود. در این مطالعه، سه نوع آزمون ریشه واحد مختلف برای بررسی مانایی متغیرها مورد استفاده قرار گرفته است، این آزمون‌ها عبارت‌اند از: آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو که با عنوان LLC، آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF)، آزمون ایم، پسران و شین که با نام IPS مشخص شده‌اند. فرض اساسی آزمون LLC وجود یک فرآیند ریشه واحد در بین مقاطع است، در حالی که آزمون IPS این امکان را فراهم می‌سازد که ناهمگونی در بین اثرات فردی وجود داشته باشد، به همین دلیل به آزمون IPS، آزمون ریشه واحد ناهمگن گویند. در این بخش از معیار شوارتز بیزین به منظور تعیین وقفه بهینه استفاده شده است.

^۱- International Monetary Fund.

^۲- World Development Indicators.

^۳- University of Pennsylvania.

^۴- داده‌های رشد پول و شبه پول بر حسب CurrentLCU می‌باشند که LCU به معنی Currency Local است و معرف واحد پول هر کشور است.

^۵- Consumer Price Index.

نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد برای خالص صادرات (NX)، رشد پول و شبه پول (M) و نرخ ارز (ER) در جدول (۱) آمده است.

جدول شماره ۱: نتایج حاصل از تخمین آزمون ریشه واحد

بدون عرض از مبدأ و روند		با عرض از مبدأ و روند			با عرض از مبدأ			تصریح
ADF	LLC	ADF	IPS	LLC	ADF	IPS	LLC	آزمون ریشه واحد
								متغیر
۱۴/۱۸	-۱/۲۱	۲۴/۴۹*	-۲/۸۳*	-۳/۸۷*	۸/۲۵	۰/۱۲	-۱/۲۲	NX
۷۶/۱۹*	-۹/۸۰*	۳۸/۷۵*	-۴/۸۲*	-۶/۳۷*	۷۱/۵۵*	-۹/۱۵*	-۱۱/۶۶*	DNX
۱۳/۸۴	-۲/۲۹*	۱۰/۷۰	-۰/۶۴	۲/۵۱	۱۲/۱۰	-۱/۰۰۳	-۰/۴۱	M
۶۹/۳۶*	-۸/۹۹*	۳۰/۹۸*	-۳/۴۶*	-۵/۱۷*	۴۲/۵۵*	-۴/۹۴*	-۵/۸۲*	DM
۳/۲۶	۰/۰۳	۶/۸۸	۰/۱۴	-۵/۵۹*	۵/۶۲	-۰/۳۷	-۱/۲۵	ER
۳۱/۳۷*	-۳/۵۹*	۱۴/۰۴**	-۱/۳۳**	-۲/۰۸*	۲۳/۸۵*	-۲/۸۲*	-۴/۳۳*	DER

* معنادار در سطح ۰/۰۵

** معنادار در سطح ۰/۱۰

منبع: محاسبات پژوهش

همان‌طور که در جدول شماره (۲) نشان داده شده است، نتایج حاصل از تخمین‌ها مانایی متغیرها را در مقادیر جاری متغیرها رد می‌کنند و کلیه متغیرها با یک‌بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند، در واقع کلیه متغیرها جمعی مرتبه یک $I(1)$ هستند.

پس از این‌که بر اساس نتایج آزمون ریشه واحد تعیین شد که متغیرها مانا و جمعی مرتبه یک $I(1)$ هستند، در گام بعدی به آزمون وجود روابط تعادلی بلندمدت در بین متغیرها می‌پردازیم. با توجه به ناهمگنی در پویایی‌ها و واریانس جملات خطا در پانل، از آزمون هم‌انباشتگی معرفی شده توسط پدورنی که امکان بررسی چنین ناهمگنی‌هایی را در مدل‌های پانل فراهم می‌سازد استفاده می‌شود، زیرا این آزمون امکان وجود ناهمگنی در عرض از مبدأ و شیب معادله هم‌انباشتگی را فراهم می‌سازد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره ۲: نتایج حاصل از آزمون هم‌انباشتگی پدرونی

آزمون	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند	بدون عرض از مبدأ و روند
Panel rho-Statistic	-۲/۹۰۵۴۶۹*	-۱/۲۳۷۱۱۸	-۴/۰۳۳۳۷۶*
Panel PP-Statistic	-۳/۶۳۳۰۹۵*	-۷/۴۲۶۸۳۰*	-۴/۰۶۲۵۵۸*
Panel ADF-Statistic	-۳/۶۱۷۱۲۵*	-۶/۸۹۱۴۳۳*	-۳/۷۰۴۸۷۵*
Group rho-Statistic	-۰/۶۸۲۵۳۹	۰/۶۵۴۳۱۶	-۱/۹۶۵۶۲۹*
Group PP-Statistic	-۲/۳۵۸۰۴۵*	-۳/۹۰۸۸۲۱*	-۳/۲۴۸۲۳۷*
Group ADF-Statistic	-۲/۸۶۵۱۲۱*	-۴/۳۳۴۶۹۲*	-۲/۱۴۸۷۰۱*

* بیانگر رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی در سطح معنی‌دار ۰/۰۵ است.

منبع: محاسبات پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های هم‌انباشتگی، اکثر آماره‌های آزمون فرض صفر مبتنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی را رد می‌کنند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین متغیرهای مورد مطالعه، رابطه بلندمدت وجود دارد.

۵- برآورد الگو

نتایج حاصل از برآورد الگو به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) در جدول شماره (۳) آمده است، آماره آزمون سارگان بیانگر این است که متغیرهای ابزاری به‌کار رفته در مدل از اعتبار برخوردار است و مدل در حالت کلی دارای اعتبار است، همچنین بر اساس آماره Wald فرض صفر مبتنی بر صفر بودن کلیه ضرایب رد شده، در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود.

جدول شماره ۳: نتایج برآورد روابط با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته GMM

متغیر	ضریب	آماره Z	Prob
خالص صادرات با یک وقفه تأخیر NX_{t-1}	۳/۵۷e-۱۰	۱/۷۹	۰/۰۷۳
رشد پول و شبه پول با یک وقفه تأخیر M_{t-1}	-۲/۲۳e-۰۹	-۵/۵۹	۰/۰۰۰
نرخ ارز ER	-۲/۳۴e-۱۲	-۰/۸۵	۰/۳۹۷
تست اعتبار مدل برآوردی			
Wald test	chi-square = ۳۱/۲۹	Prob = ۰/۰۰۰	
Sargan test	chi-square = ۶۱/۹۹۴	Prob = ۰/۵۸۲۸	

منبع: محاسبات پژوهش

طبق نتایج حاصل از برآورد مدل، رشد پول و شبه پول با یک وقفه تأخیر، اثر منفی و معنادار

بر خالص صادرات و در نتیجه تراز تجاری دارد. در واقع یافته‌ها حاکی از آن است که رشد نقدینگی باعث کاهش صادرات و افزایش واردات می‌شود. بنابراین کنترل رشد نقدینگی که در قالب سیاست‌های پولی از اهداف کلان اقتصادی به شمار می‌رود، یکی از اولویت‌های مهم در جهت بهبود وضعیت تراز تجاری است. از سوی دیگر نرخ ارز تاثیر معناداری بر تراز تجاری ندارد و این امر بیانگر خنثی شدن بخشی از کارایی سیاست‌های پولی است، زیرا کارایی سیاست‌های پولی در همگامی با سیستم ارزی متناسب عملی می‌شود. لذا اثربخشی سیاست‌های پولی هنگامی قابل مشاهده است که سیستم نرخ ارز قادر باشد بخشی از نوسانات ناشی از تغییر سیاست‌گذاری ارزی را پوشش دهد و همسویی متناسبی داشته باشد تا کارایی سیاست‌های پولی آشکار شود.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مطالعه تأثیر سیاست‌های پولی بر تراز تجاری در کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. که طبق نتایج به دست آمده از برآورد مدل، رشد نقدینگی یکی از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت تراز تجاری است، در حالی که نرخ ارز اثر معناداری بر تراز تجاری ندارد.

۱- به لحاظ اهمیت موضوع پیشنهاد می‌شود، محققان در پژوهش‌های آتی تأثیر سیاست‌های پولی بر تراز تجاری ایران را با سایر کشورهای نفت‌خیز مورد مقایسه قرار دهند زیرا این امر جهت سیاست‌گذاری ارزی را به سمتی متمایل می‌سازد که اهداف کنترل رشد نقدینگی و نرخ تورم در ایران در یک عملکرد مقایسه‌ای میسر شود.

۲- سیاست‌ها و اصلاحات نظام ارزی، انعطاف پذیری لازم را در سیستم نرخ ارز ایران به گونه‌ای ایجاد کنند که مکانیزم نرخ ارز، قادر به تعدیل تراز پرداخت‌ها در همسویی با سایر مکانیزم‌های تعدیلی خودکار از قبیل نرخ بهره و سطح عمومی قیمت‌ها، باشد.

۳- در مدل‌های پانل، با توجه به ارزیابی کلی عملکرد متغیرها، همگرایی کشورها در روابط خارجی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که این امر کاربرد سیاست‌های پولی و ارزی را در بهبود روابط بین کشورها و رفع نوسانات موجود یاری می‌کند.

۴- اهداف سیاست‌های پولی کارا و اثربخش علاوه بر تنظیم سطح متغیرهای داخلی در جهت بهبود روابط تجاری کشورهای نفت‌خیز و همسویی با سطح متغیرهای جهانی از قبیل نرخ بهره خارجی (سطح نرخ بهره در سایر کشورها) گامی به سمت پویایی روابط تجاری کشورهای نفت‌خیز در عرصه بین‌المللی باشد. که لازمه این امر، ایجاد تحرک سرمایه و تقویت رقابت پذیری است. لذا تنظیم سطح نرخ بهره در دستیابی به هدف ثبات اقتصادی و همچنین بهبود وضعیت تراز

تجاری نقش موثری دارد.

۵- بررسی عملکرد سیاست‌های پولی و ارزی در مقایسه با سیاست‌های مالی باعث آشکار شدن نقش مکانیزم‌های تعدیلی خودکار و مداخله‌ای خواهد شد. که این امر منجر به شناسایی و تشخیص صحیح هریک از آن‌ها در بهبود روابط تجاری می‌شود.

منابع

- جلالی اسفندآبادی، سید عبدالمجید (۱۳۸۴)، "تحلیل عبور نرخ ارز و تعیین رابطه آن با سیاست‌های پولی و درجه باز بودن اقتصاد در ایران به روش سیستم‌های فازی عصبی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان، صفحه ۱۰.
- حاجی جودکی، بهرام، جواد اطمینان و آقا مسلم پیردادی، (۱۳۹۱)، "روش گشتاورهای تعمیم یافته بی‌زی"، اولین همایش بین‌المللی اقتصادسنجی روش‌ها و کاربردها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، صفحه ۳-۲.
- دژپسند، فرهاد و حسین گودرزی، (۱۳۸۸)، "بررسی تاثیر کاهش ارزش پول بر تراز پرداخت‌های ایران (تحقق شرط مارشال - لرنر در ایران)"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳، صفحه ۱۷-۱۸.
- رحمانی، تیمور (۱۳۸۶)، اقتصاد کلان ۲، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، صفحه ۲۱۰-۲۰۰.
- شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۶)، "بررسی متغیرهای کلان اقتصادی موثر بر کسری حساب جاری ایران"، مجله جستارهای اقتصادی، شماره ۳، صفحه ۱۵۶-۱۴۵.
- شیرین بخش، شمس‌الله و مصطفی رجبی، و نازنین امیری‌ماهانی، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه همگرایی نامتقارن نرخ واقعی ارز و تراز تجاری در ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی"، سال سوم، شماره ۲ "پیاپی ۸"، صفحه ۸۴-۸۳.
- صمدی، سعید، رحمان خوش‌اخلاق، سید پرویز جلیلی کامجو و هادی امیری، (۱۳۹۲)، "ارزیابی تأثیر همزمان و مجزای شاخص‌های پولی و مالی بر رشد اقتصادی: کاربرد مدل پانل پویای دو مرحله‌ای آرلانو- باور/ بوندل-باند"، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال دوم، شماره ۷، صفحه ۶۹.
- کمیجانی، اکبر و الهه اسدی‌مهماندوستی، (۱۳۸۹)، "سنجشی از تأثیر شوک‌های نفتی و سیاست‌های پولی بر رشد اقتصادی ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۱، صفحه ۲۴۱.
- معماریان، عرفان و سید احمدرضا جلالی نائینی، (۱۳۸۹)، "آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت

تکانه‌های ارزی بر تراز تجاری ایران (آزمون پدیده منحنی J بر اساس یک الگوی VECM)،
 پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲، صفحه ۴۶-۴۵.

• مهرآرا، محسن و علیرضا عبدی، (۱۳۸۶)، "عوامل تعیین‌کننده تراز تجاری در اقتصاد ایران"،
 فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۳۱، صفحه ۷-۶.

• ندیری، محمد و تیمور محمدی، (۱۳۹۰)، "بررسی تاثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی
 با روش GMM داده‌های تابلویی پویا"، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال پنجم، شماره ۳ "پیاپی
 ۱۵"، صفحه ۱۱-۷.

• نگاهبانی، آرش (۱۳۸۳)، "بررسی اثرات سیاست کاهش ارزش پول ملی بر تراز بازرگانی
 ایران با کشورهای طرف عمده تجاری"، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی،
 چاپ اول، صفحه ۳.

• وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۷)، "نگاهی به وضعیت اقتصادی کشورهای عضو
 شورای همکاری خلیج فارس"، معاونت امور اقتصادی، صفحه ۴.

• یوری، کاظم و سیدحمیدرضا اشرف‌زاده، (۱۳۸۴)، "یکپارچگی اقتصادی کشورهای در حال
 توسعه، کاربرد مدل جاذبه با داده‌های تلفیقی به روش GMM و همگرایی"، فصلنامه پژوهشنامه
 بازرگانی، صفحه ۱۸-۱۷.

- Aziz, N., (2008), "The Role of Exchange Rate In Trade Balance: Empirics From Bangladesh", University of Birmingham, p 1.
- Baltagi, B., Demetriades, P., Law, S. H, (2008), "Financial Development and Openness: Evidence from panel data", *Journal of Development Economics*.
- Bhattarai, K. R., and Armah, M. K., (2005), The Effects of Exchange Rate on The Balance in Ghana: Evidence from Cointegration Analysis, Center for Economic Policy Business School, University of Hull, p 3.
- Gomez, D.M. & Fugarolas, G.A., (2006), "Exchange Rate Policy and Trade Balance. A Cointegration Analysis of the Argentine Experience Since 1962", *Departamento de Economia Aplicada*, No. 151(1), p 1.
- Greene, W. H., (2008), "Econometric analysis – sixth edition. New Jersey", Upper Saddle River: Pearson International.
- Guy Herve, D.B., Shen, Y., and Amed, A., (2010), "The Effects of Real Exchange Rate on Trade Balance in Cote d'Ivoire: Evidence from the Cointegration Analysis and Error-Correction Models", Shanghai University, No. 21810, p 2.
- Hsiao, C., (2003), *Analysis of Panel Data*, 2nd edition, Cambridge University Press.
- Kim, S., (2001), "Effects of Monetary Policy Shocks on the Trade Balance in Small Open European Countries", *Economics Letters*, No. 71, p 197.
- Peterson, B.S., (2007), "The Case for Exchange Rate Flexibility In Oil Exporting Economic", *Institute for International Economics*, No. 21, p 20.

- Stucka, T., (2004), "The Effects of Exchange rate Change on the Trade Balance in Croatia", *International Monetary Fund (IMF)*, No.4(65), p 3.
- World Bank, (2012). The worldwide governance indicators. Available at: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/index.asp>.
- World Bank, (2012), World development indicators. Available at:
- <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>.

